

حقوق بین الملل عمومی

و حکمرانی دولت بلغارستان گامته شده بود و دولت مذکور حق پذیرفتن نمایندگان سیاسی و قونسول هائی دول خارجه را داشته ولی حق اعزام این قبیل مأمورین بدربار سایر دول را دارا نبوده وبدون واسطه او نظارت دولتی که نمیتوانست هیچ نوع عهد نامه سیاسی منعقد سازد اعلام جنگ بلغارستان فقط بتوسط دولت ترکیه ممکن بود بعمل آید.

بموجب عهدنامه برلن بلغارستان از رومانی شرقی مجزا گردیده و این ایالت اخیر جز و ترکیه باقی ماند مشروط بر آنکه حاکم آن مسیحی بوده و دول امضاء کننده عهدنامه انتخاب او را بپذیرند.

در نتیجه انقلابات ۱۸ سپتامبر ۱۸۸۵ این ترتیب تغییر یافته و رومانی شرقی منضم به بلغارستان گردید و از این تاریخ دولت بلغارستان بطرف استقلال کامل پیش رفته وموفق گردید که بعضی دربارهای خارجه نمایندگانی اعزام دارد وقرار داد های تجارتی مستقیماً منعقد نماید تا اینکه در ماه اکتبر ۱۹۰۸ شاهزاده فردینان استقلال کامل بلغارستان را اعلام و شناسائی این استقلال در ۲۶ آوریل ۱۹۰۹ رسماً از طرف دول اروپا بعمل آمد. در نتیجه عهد نامه های بوکارست و قسطنطنیه ۱۹۱۳ دولت بلغارستان توسعه یافته ولی بموجب عهدنامه نولی Newilly ۲۷ نوامبر ۱۹۱۹ قسمتی از اراضی آن پرومانی یونان و صربستان واگذار گردید.

چهارم مصر - مبنای قانونی حکومت مصر منگی بر عهد نامه لندن ۱۵ ژوئیه ۱۸۴۰ منعقد بین دولت عثمانی از یکطرف و دول انگلیس و اطریش و روس و روسیه از طرف دیگر (دولت قرانسه مقررات این عهد نامه را در ۱۸۴۱ مجبوراً پذیرفت) و فرامینی است که

در نتیجه جنگ روسیه و ترکیه ۱۸۷۷ ولایت بسارابی Bessarabie از این دو ایالت منتزع و بروسیه واگذار شد و در مقابل قطعه دوبروجه Doubroudja ضمیمه آن دو ایالت گردید. بالاخره در کنفرانس برلن ۱۸۷۷ استقلال ملداوی ووالاشی رسماً پسندبرفته شده و دولت رومانی فعلی تشکیل یافت. در نتیجه جنگ ۱۹۱۴ ولایات بسارابی و بوکوزین Bucovine و ترانسیلوانی Transylvanie و دوبروجه تعلق بدولت رومانی گرفته و برافتدار وتوسعه آن دولت افزوده شد.

دوم صربستان - صربستان نیز مانند ملداوی و والاشی مدت مدیدی تحت تسلط دولت ترکیه قرار گرفته بود و عهد نامه برلن ۱۸۷۸ استقلال آنرا اعلام و در ۱۸۸۲ سلطنت مستقلی در آن مملکت تشکیل گردید امروز بوسیله انضمام قسمتی از اراضی مجارستان و دولت مونتنگرو پروست آن افزوده شده بدولت صرب کروآت اسلوون را تشکیل میدهد.

سوم بلغارستان - بموجب عهدنامه برلن ۱۸۷۸ بلغارستان که یکی از ایالات دولت ترکیه محسوب می گردید شاهزاده نشینی تحت سلطه آندولت تشکیل داد حکمران دولت بلغارستان در امور داخلی تقریباً کامل بود مگر در موضوع وضع حکومت و شاهزاده حکمران را سکنه انتخاب نموده و پس از موافقت دول امضاء کننده عهد نامه برلن سلطان نیز انتخاب مشار الیه را بایستی تصویب نماید وانتخاب شاهزاده مذکور از خانواده سلطینی که درامضای عهدنامه برلن شرکت نموده بودند ممنوع گردید. از حیث امور خارجهی تاحدی از اختیارات

بموجب آن سلطان عثمانی انتصاب هر خدیوی را تصویب می کرد .

بموجب مقررات عهد نامه لندن خدیو مصر بنام سلطان عثمانی حکومت نموده و نیروی بری و بحری آن کشور جزو نیروی عثمانی محسوب میگردید . مسکوکات باسم خدیو و سلطان عثمانی ضرب گردیده و حکومت مصر سالیانه مبلغی بعنوان خراج بخزانه دولت عثمانی می پرداخت و برقراری روابط مصر با ممالک خارجه بهنده سلطان واگذار گردیده و مقررات معاهدات منعقد شده بین دولت عثمانی و سایر دول در مصر نیز واجب الاجرا می بود .

از ۱۸۶۶ بعد بواسطه فرامین صادره از دربار عثمانی مخصوصاً بواسطه فرمان ۸ ژوئن ۱۸۷۳ بر استقلال و آزادی مصر افزوده گردید و بموجب این فرمان اخیر سلطان خدیو را مجاز نمود که عقد استقراضی نماید و عده قوای بری و بحری را تعیین کرده و در امور تجارتمی و صنعتی و گمرکی بدون نظارت و دخالت دولت عثمانی با سایر دول عهد لازم را منعقد سازد و در اجرای این حق با قونسولهای دول مقیم قاهره که سمت مأموریت سیاسی را نیز دارا بودند داخل مذاکره گردد و در ۱۸۷۵ تغییراتی به ترتیب اجرای اصول کابینتولاسیون در مصر وارد آمده و با رضایت دول معظمه محاکم مختلطی برای اجرای حق قضا بین اتباع داخله و اتباع خارجه در آن کشور تأسیس یافت

خدیو مصر اسمعیل پاشا از اختیارات خود سوء استفاده نموده و مبلغ زیادی برای مصرف شخصی خود از ممالک خارجه استقراض نمود و چون از عهده تأدیه اصل و فرع آن نتوانست بر آید دول معظمه برای حفظ منافع اتباع خود دخالت را لازم دانسته و در ۱۸۷۶ يك کمسیون بین المللی برای اداره دیون مصر تأسیس نمودند و خدیو کلیه حقوق و سهام خود را در کانال سوئز بدولت انگلیس واگذار کرد .

در نتیجه این پیش آمد در ۱۸۷۹ اسمعیل پاشا منفصل و پسرش توفیق پاشا بخدیوی مصر برقرار گردید و سلطان بواسطه فرمان دوم اوت ۱۸۷۹ و فرمان ۲۷ مارس ۱۸۹۲ اختیاراتی را که سابقاً بر خدیو انطا نموده بود ملغی و حق استقراض را مخصوصاً سلب کرد مگر برای تسویه قروض سابقه و من بعد سکه فقط بنام سلطان ضرب گردیده و خراج سالیانه ۷۵۰۰۰۰ پیره انگلیسی تعیین گردید و همچنین حق انعقاد عهدنامه بدون نظارت دولت عثمانی از خدیو سلب گشت .

در موضوع وضعیت قانون مصر عقاید مختلفه اظهار گردیده بعضی آنرا یکی از ایالات دولت عثمانی که مانند مستعمرات دولت انگلیس دارای اختیارات خاصی است بشمار می آورند در صورتیکه عده دیگر آن کشور را دولت ناقص - الاستقلال می دانند که در تحت سلطه دولت عثمانی قرار گرفته است .

از اواخر قرن نوزدهم بعد دول معظمه مدام دخالت هائی در امور داخلی مصر از قبیل تأسیس محاکم مختلط و کمسیون بین المللی تسویه دیون و تعیین مفتشین مالی از طرف دولتین فرانسه و انگلیس نموده اند .

بعد از طغیان اعرابی پاشا در ۱۸۸۲ قوای نظامی انگلیس کشور مصر را اشغال و هنوز آن کشور را تخلیه نکرده اند و از آن تاریخ دولت مذکور نوعی حق حمایت در آن کشور برقرار داشت . این اقدام بر خلاف مقررات عهدنامه پاریس ۱۸۵۶ و عهدنامه برلن ۱۸۷۸ که تمامیت دولت عثمانی را تضمین نموده بود اجرا گردیده و کاملاً برخلاف مقررات عهدنامه لندن ۱۸۴۰ میباشد .

دولت انگلیس بموجب عهدنامه ۱۹ ژانویه ۱۸۹۹ که با دولت مصر و عهدنامه ۲۱ مارس ۱۸۹۹ که با دولت فرانسه منعقد داشت حمایت خود را رسماً در قسمت سودان مصر برقرار کرد .